

پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان از منظر حقوقی - جرم - شناختی، با رویکرد تطبیقی به حقوق ایران و کانادا

شیما شفیعی*

مهرداد رایجیان اصلی**

DOI: 10.22096/LAW.2022.138689.1791

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱]

چکیده

کودکان و نوجوانان در فرایند کیفری، به دلیل آسیب‌پذیری بالا، نیازمند رویکردی افتراقی در مقایسه با بزرگسالان هستند تا افزون بر بازپروری، اثرات سوء این فرایند به حداقل رسد. طبق نظریه‌های جرم‌شناسی - از جمله نظریه برجسب‌زنی - تحمیل برجسب‌های مجرمانه می‌تواند دیدگاه جامعه را به کودک و نوجوان تغییر داده، این باور نادرست را در فرد ایجاد کند که ذاتاً مجرم است. این تصور می‌تواند او را به ارتکاب اعمال مجرمانه دیگری سوق دهد و بازگشت به زندگی عادی را دشوار گرداند. در نتیجه، شیوه دادرسی و واکنش‌های تعیین شده برای آنان، همواره باید مورد توجه قرار گیرد. به‌عنوان یک مطالعه تطبیقی، دو کشور ایران و کانادا در جدیدترین قوانین خود، در خصوص رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان معارض با قانون، گام‌هایی مثبت در مسیر قضازدایی و کاهش میزان حضور این دسته از بزهکاران در فرایند کیفری برداشته‌اند. این دو کشور، اگرچه در مراحل دادرسی و پس‌ادداری اقدامات نسبتاً مشابهی، مانند کاهش مدت‌زمان نگهداری در

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: f_shafiee@sbu.ac.ir
** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.
Email: m.rayejian@samt.ac.ir



مراکز بازپروری، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، قرارهای نظارتی و عدم ثبت سابقه کیفری مقرر کرده‌اند، اما در مرحله پیش‌دادرسی، نظام کیفری کانادا را - با توجه به پیش‌بینی تدابیر فراقضایی و تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان - می‌توان در مقایسه با ایران یک گام جلوتر برشمرد.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان بزهکار؛ کژروی؛ دادرسی کودکان و نوجوانان؛ پاسخ‌های کیفری؛ فرایند کیفری.

۱. مقدمه

امروزه، اهمیت شیوه برخورد با کودکان و نوجوانان و تأثیرات قابل توجه این برخوردها بر شکل‌گیری، تغییر و تثبیت شخصیت و رفتار آن‌ها، از دیدگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی به اثبات رسیده است. همچنین، واکنش‌های اجتماعی به بزهکاری کودکان و نوجوانان، از جهت کارکردهای اصلاحی-تربیتی و ترسیم دورنمای آینده آنان بسیار اهمیت پیدا کرده است و اتخاذ رویکرد افتراقی، در مقایسه با بزرگسالان که با ویژگی‌های سنی، روحی و جسمی آنان متناسب باشد، در دستور کار نظام‌های کیفری قرار گرفته است. همچنین، این دادرسی افتراقی مؤلفه‌ها و اقتضائاتی دارد که همگی بر ارفاق و تسامح، کاهش سختگیری، رویکرد آینده‌نگر به جای گذشته‌نگر، اصلاح‌مداری و درمان‌محوری مبتنی هستند.^۱

در گستره علوم جنایی، آموزه‌های سزادهی بر ارباب و ناتوان‌سازی از گذر اعمال مجازات تأکید می‌کنند.^۲ برعکس، آموزه‌های بازپروری، با فاصله گرفتن از کیفرگرایی و تأکید بر اصلاح و تربیت بزهکار، عموماً به شکل اقدامات تأمینی جلوه‌گر می‌شوند. در راستای رویکرد حمایتی-پیشگیرنده، کودکان و نوجوانان مرتکب اعمال خلاف قانون، بیش از آنکه مستحق تنبیه و کیفر باشند، نیازمند تربیت هستند و در صورت اعمال واکنش‌های دقیق و سنجیده، حتی می‌توان به اصلاح آنان بیش از دیگر بزهکاران امیدوار بود. همین نکته، اهمیت واکنش‌های بازپرورانه به آنان را برجسته می‌سازد.

به‌موجب نظریه‌های معاصر در جرم‌شناسی، از جمله نظریه کمینه‌گرایی حقوق کیفری که بر پایه اصل حداقلی بودن و فرعی بودن حقوق جزا، همچنین تناسب جرم و مجازات بنا شده است، می‌توان گستره اعمال تدابیر تأمینی-تربیتی و غیر کیفری را در خصوص کودکان و نوجوانان تقویت کرد. مطابق این رویکرد، جرم‌انگاری و تحمیل کیفر باید به‌عنوان آخرین چاره تلقی شود. همچنین در صورت پذیرش کیفردهی، شدت و نوع آن نیز باید از پشتوانه کافی برخوردار باشد. به بیان دیگر، پاسخ‌ها باید از حداقلی‌ترین سطوح آغاز شود و برداشتن هر گامی به سوی تشدید وضعیت کیفری بزهکار کاملاً توجیه گردد. طبق رویکرد کمینه‌گرایی، ابزارهای غیر کیفری در بسیاری از موارد می‌توانند به‌عنوان جایگزین ابزارهای کیفری به کار گرفته شوند^۳ و نه تنها از بار شدن هزینه‌های

۱. مسعود همت، حمیدرضا حیدری‌پور و ژیلای پزی تنها، «مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری ۱۴، شماره ۳ (۱۳۹۷): ۷۸-۱۱۴.

۲. مهرداد رایجیان اصلی، درآمدی بر جرم‌شناسی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸)، ۴۷.

۳. رحیم نوبهار، «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری ۸، شماره ۱ (۱۳۹۰): ۹۱-۱۱۴.

گراف اقتصادی و اجتماعی بر جامعه جلوگیری نمایند، بلکه به نحو سودمندتری به اهداف بازپرورانه آن دست یابند. «چنان‌که بن‌تام نیز تأکید می‌کند که مداخله کیفری زمانی غیر مؤثر است که یا نتواند از آنچه باید پیشگیری نماید و یا بدون مداخله کیفری هم بتوان از آن پیشگیری کرد. بدین ترتیب، ورود حقوق کیفری به عرصه‌ای که نمی‌تواند در مدیریت آن مؤثر باشد، جز توسعه حقوق کیفری و تورم آن تأثیر دیگری نخواهد داشت».^۴ در نتیجه، باید حداکثر توان نظام‌های حقوقی در راستای تعیین تدابیری خارج از حوزه حقوق کیفری - به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان - به کار گرفته شود.

همچنین، طبق نظریه برچسب‌زنی، الصاق برچسب مجرمانه و شناخته شدن با عناوین ناپسند، موجب از بین رفتن فرصت‌های زیست‌برابر در مقایسه با دیگر افراد جامعه، درونی‌سازی برچسب‌ها و در نتیجه، تکرار جرم می‌شود. بنابراین، تا حد امکان باید از الصاق برچسب مجرمانه به افراد جلوگیری کرد.

از جهت‌گیری‌های دیدگاه برچسب‌زنی در جرم‌شناسی، کودکان و نوجوانان کژرو و بزهکار هستند.^۵ این جهت‌گیری بر این فرضیه بنیادی استوار است که «کودک، بزهکار می‌شود؛ زیرا او را بد توصیف کرده‌اند و اعتقادی به خوب بودن او وجود ندارد».^۶ این دیدگاه، همچنین با تبیین مفهوم نمایشی کردن شر،^۷ بر فرایند ایجاد بزهکار-شامل برچسب زدن، تعریف کردن هویت فرد، شناسایی، تفکیک، توصیف، تأکید و ایجاد آگاهی و خودآگاهی - تأکید دارد که راهی برای تحریک و برانگیختن خصایصی است که می‌تواند برای کودک و نوجوان، به‌ویژه در تعامل با دیگران (خانواده، مدرسه، و به‌طور کلی، جامعه) دردسرساز شود.^۸ از این رو، در جریان آن ممکن است مراحل برخورد با کودک معارض با قانون برای او آسیب‌زننده باشد؛ زیرا او را به‌عنوان فردی کژرو یا بزهکار به خود و نیز به جامعه معرفی کرده، به همان چیزی تبدیل می‌کند که از او توصیف شده است.

به نظر می‌رسد امروزه، در خصوص کودکان و نوجوانان، نظام‌های حقوقی بیش‌از پیش سعی بر اعمال تدابیر تربیتی و بازپرورانه دارند. نظام حقوقی ایران در سال‌های اخیر و با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^{۱۰} و قانون حمایت از

۴. حسین غلامی، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲ (۱۳۹۱): ۴۱-۶۵.

۵. رایجیان اصلی، درآمدی بر جرم‌شناسی، ۲۲۵.

6. F. Tannenbaum, *Crime and Community* (Boston: Ginn and Company, 1938), 18.

7. Dramatization of evil.

8. Tannenbaum, *Crime and Community*, 19-20.

۹. ق.م.ا. ۹۲

۱۰. ق.ا.د.ک. ۹۲

پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان ... / شفیع‌ی و رایجیان اصلی ۶۷

اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹،^{۱۱} تغییراتی گسترده در باب واکنش‌های کیفری و غیر کیفری برای کودکان و نوجوانان معارض با قانون ایجاد کرد که از اتخاذ رویکردی نوین حکایت می‌کند.

از میان نظام‌های حقوقی جهان، مطالعات تطبیقی با نظام حقوقی کانادا، در مقایسه با کشورهای دیگر همچون فرانسه، انگلستان و آمریکا، سهمی کمتر در ادبیات حقوقی ایران داشته است. از این رو، در مقابل حقوق ایران، این نوشتار با انتخاب نظام حقوقی کانادا، به‌ویژه با تصویب قانون عدالت جنایی جوانان^{۱۲} در سال ۲۰۰۳ (قانون ۲۰۰۳)، مطالعه‌ای تطبیقی در خصوص واکنش‌های اجتماعی بازپرورانه و جلوگیری از تحمیل برچسب مجرمانه به کودکان و نوجوانان دارد.

این نوشتار، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به اهمیت روزافزون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان در سطح جهانی، به بررسی این مسئله می‌پردازد که دو نظام کیفری برگزیده (ایران و کانادا)، چه تدابیری را در مقام واکنش اجتماعی به کودکان و نوجوانان معارض با قانون و بزهدکار با هدف قضازدایی از فرایند کیفری پیش‌بینی کرده‌اند؟ همچنین با بررسی سابقه تاریخی قوانین مرتبط در دو کشور و مقایسه آن‌ها، می‌توان الگوهای مفیدی را برای پیشرفت در نظام حقوقی خود اتخاذ کرد.

این نوشتار در ادامه، پس از مشخص کردن مفهوم کودک و نوجوان، با رویکردی تطبیقی به بررسی و مقایسه واکنش‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان، در مراحل پیش‌اداری، دادرسی و پس‌اداری می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی کودک و نوجوان در دو نظام حقوقی ایران و کانادا

هر دو کشور ایران و کانادا در دهه‌های اخیر، سعی بر ارتقاء میزان تناسب نحوه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان با ویژگی‌های خاص آنان داشته‌اند. برای ورود به بحث مطالعه تطبیقی پاسخ‌های کیفری به کودک و نوجوان، نخست به بررسی مفهوم کودک و نوجوان در این دو نظام حقوقی می‌پردازیم.

الف. ایران

طبق قوانین و مقررات ایران، از یک سو، به‌موجب ماده واحده الحاقی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (مصوب ۱۳۷۲)، همه افراد زیر هجده سال در شمول کودکان و نوجوانان قرار

۱۱. ق.ح.ا.ن. ۹۹.

12. Youth Criminal Justice Act.

می‌گیرند. از سوی دیگر، این سن با توجه به مقررات بلوغ در قانون مدنی و مقررات ازدواج پیش از بلوغ در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱،^{۱۳} برحسب مورد، تخصیص خورده است. از این رو، معیار سنی واحدی برای تعریف کودکی و نوجوانی در حقوق ایران وجود ندارد و در هر مورد باید مقرر خاص ناظر بر آن را ملاک قرار داد.

اما به‌طور کلی، قانون‌گذار ایران پس از انقلاب اسلامی، با قرار دادن معیار بلوغ شرعی، کودکان و نوجوانان بالغ زیر هجده سال را دارای مسئولیت کیفری کامل در نظر گرفت. همچنان که طبق تبصره یک ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک ۹۲ طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. از آنجایی که حد بلوغ شرعی در ماده ۱۴۷ ق.م.ا. ۹۲ برای دختران^{۱۴} و برای پسران پانزده‌سالگی عنوان شده است، به نظر می‌رسد طبق این قانون، به ترتیب دختران و پسران بالای نه و پانزده سال بزرگ‌سال محسوب می‌شوند، اما با تصویب ماده ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. ۹۲، به تأسی از قوانین پیش از انقلاب، مسئولیت کیفری تدریجی با رویکردی غیر جنسیتی برای کودکان و نوجوانان^{۱۵} تا هجده سال در جرائم تعزیری به رسمیت شناخته شد.

در نهایت، با توجه به جدیدترین قانون، یعنی ق.ح.ا. ۹۹، می‌توان گفت که کودک بر فردی که به بلوغ شرعی نرسیده است (بند الف ماده ۱)؛ یعنی دختر تا نه و پسر تا پانزده‌سالگی، و نوجوان بر افراد زیر هجده سال که به بلوغ شرعی رسیده‌اند اطلاق می‌گردد (بند ب همان ماده).

ب. کانادا

در حقوق کانادا، به‌موجب قانون ۲۰۰۳، تنها کودکان و نوجوانان دوازده تا هجده سال مشمول مقررات و حمایت‌های این قانون قرار می‌گیرند.^{۱۴} به‌عبارت‌دیگر، کودکان زیر دوازده سال، به‌عنوان بزهکار مشمول این قانون نیستند و جوانان بالای هجده سال نیز در ردیف بزرگ‌سالان قرار گرفته، مشمول قوانین موضوعه عادی درباره همه بزهکاران بزرگ‌سال واقع می‌شوند.

۳. پاسخ‌های برچسب‌زننده به کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی کیفری ایران و کانادا

با در نظر گرفتن تعریف متفاوت کودک و نوجوان در دو نظام حقوقی منتخب که می‌تواند محملی برای مقایسه رویکردهای متمایز این دو کشور در مطالعه تطبیقی موضوع نوشتار پیش رو نیز باشد،

۱۳. ق.ح.خ. ۹۱.

14. Robert D Hoge. "Introduction to the Canadian Juvenile Justice System," *Resource Material*, No.78, 139. International Training Course Visiting Experts' Paper, 59.

پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان ... / شفیع و رایجیان اصلی ۶۹

اینک می‌توان به بررسی تحولات پاسخ‌های کیفری در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان در مراحل پیشادادرسی، دادرسی و پسادادرسی که از گذر تصویب ق.ا.م. ۹۲، ق.ا.د.ک ۹۲ و ق.ح.ا.ن ۹۹ در ایران، و قانون ۲۰۰۳ در کانادا رخ داده است، پرداخت.

۱-۳. پاسخ‌های مرحله پیشادادرسی به کودکان و نوجوانان

از یافته‌های آموزه‌های علوم جنایی و جرم‌شناسی این است که بهترین اقدام برای جلوگیری از برچسب‌زنی به کودکان و نوجوانان، کاهش میزان ورود آن‌ها به فرایند کیفری است. جنبش قضازدایی نیز که از نتایج جایگزینی رویکرد عدالت ترمیمی به جای عدالت جنایی (سزادهنده - تیبیهی) است، بر واکنش‌هایی تأکید می‌کند که خارج از فضای رسمی دادگاه و نظام کیفری به رسیدگی به رفتارهای مخالف قانون افراد به‌خصوص کودکان و نوجوانان بپردازد. هدف جنبش قضازدایی در واقع ایجاد راهکارهایی برای جلوگیری از ورود کودکان به دادگاه و کاهش تبعات منفی مربوط به آن است که برای مثال از طریق تدابیر پیشادادرسی که در ادامه مطرح می‌شود، قابل دسترسی خواهد بود.

تأمین این هدف، اصولاً در مرحله پیشادادرسی بر عهده پلیس است. پلیس می‌تواند هم‌زمان با جلوگیری از ورود کودکان و نوجوانان به فرایندهای کیفری، به جامعه‌پذیری آنان و حفظ سرمایه انسانی جامعه کمک نماید. «چنان‌که بخواهیم تعریفی جامع از قضازدایی پلیسی ارائه کنیم، می‌توان گفت که قضازدایی پلیسی عبارت است از مجموعه تدابیر، اقدامات و تلاش‌هایی که از سوی پلیس برای پرهیز از ارجاع پرونده به مسیر دادرسی رسمی و سعی در ارجاع پرونده‌ها به خدمات اجتماعی یا خدمات مناسب دیگر باشد».^{۱۵} پس پلیس در صورت داشتن اختیار، می‌تواند در رابطه با نحوه واکنش به کودکان معارض با قانون تصمیم‌گیری کند. «قضازدایی پلیسی و کیفری می‌تواند برنامه‌های خود را از یک طیف سازمان‌نیافته غیر مداخله‌ای، مانند هشدار تا مداخلات رسمی‌تر، مانند مشاوره‌های فشرده، برنامه‌های آموزشی و دیگر برنامه‌های بازپرورانه گسترش دهد».^{۱۶} پلیس حتی می‌تواند در مواردی طبق تشخیص خود از پیگرد کودک چشم‌پوشی کند، اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که در صورت اعطای این اختیارات به پلیس، باید حدود و ثغور آن به نحوی مشخص تعیین گردد وگرنه بیم آن می‌رود که از این ابزار قضازدایی، نتیجه‌ای معکوس حاصل شود و به توسعه شبکه کیفری^{۱۷} بینجامد.

۱۵. حسنعلی مؤذن‌زادگان و دیگران، «قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: مطالعه تطبیقی نیوزلند، کانادا و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۴۳.

16. K. Samuels. "Examining the Utility of Pre-Charge Youth Diversion Programs: A Canadian Context" (Master of Art, University of Ontario, Institute of Technology, 2015), 30.

17. Net Widening.

۱-۳. رویکرد تطبیقی نظام‌های کیفری ایران و کانادا به پاسخ‌های مرحله پیش‌دادرسی به کودکان و نوجوانان

الف. نظام حقوقی ایران

تا پیش از تصویب ق.آ.د.ک. ۹۲ در هیچ‌کدام از قوانین نظام کیفری ایران به موضوع پلیس اطفال و نوجوانان توجه نشده بود، اما این قانون ذیل ماده ۳۱، تشکیل پلیس ویژه را پیش‌بینی کرده است. شوربختانه، پس از گذشت چندین سال، تشکیل این نهاد تاکنون تحقق نیافته است و تا پیش از تصویب نهایی لایحه تشکیل پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، پلیس اختیاری جز آنچه در قوانین برای او تعیین شده است، ندارد. این در حالی است که ق.ح.ا.ن ۹۹ در بند (ب) ماده ۶ به صراحت وظایفی، از جمله اعمال اقدامات حمایتی از کودکان در معرض خطر و تأمین امنیت مددکاران اجتماعی در زمان انجام تحقیقات مرتبط را بر عهده پلیس ویژه قرار داده است، اما عدم تشکیل این نهاد در خارج از متون قانونی، می‌تواند به بی‌استفاده شدن این ماده و عدم تحقق اهداف آن بینجامد. همچنین، ماده ۳۹ این قانون انجام تمام اقدامات و تحقیقات از اطفال و نوجوانان موضوع آن را به‌وسیله اشخاص آموزش‌دیده در این زمینه، الزامی دانسته است که این مهم نیز جز با بهره‌مندی از خدمات نهاد پلیس ویژه محقق نمی‌گردد. به نظر می‌رسد طبق لایحه، در صورت آگاهی پلیس از کزروی‌های کودکان و یا شناسایی کودکان و نوجوانان نیازمند به حمایت، اقداماتی از قبیل تحویل کودک به خانواده یا سازمان‌های اجتماعی و درمانی در دستور کار این نهاد قرار خواهد گرفت.

ب. نظام حقوقی کانادا

در مقام مقایسه و تطبیق، کشور کانادا نیز تحولات بسیاری را در گستره حقوق کیفری کودکان و نوجوانان ایجاد کرده است. تا پیش از سال ۱۹۰۸ نحوه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان و همچنین مجازات آنان، همانند بزرگسالان بود. سابقه پیش‌بینی نخستین قوانین کیفری مختص این گروه به سال ۱۹۰۸ و تصویب قانون بزهکاران نوجوان^{۱۸} برمی‌گردد که نقطه آغازین ایجاد نظام عدالت جنایی کودکان و نوجوانان در کانادا برشمرده می‌شود. از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، انتقادات به این قانون افزایش یافت که شامل مواردی، از جمله ناتوانی آن در پیشگیری از جرم و بازپروری بزهکار، مجازات‌های نامعین و تعارضات موجود بین مصالح کودک و اصول قانونی می‌شد.^{۱۹}

18. Juvenile Delinquents Act.

19. Ministry of Children, Community and Social Services. "A Comparative Analysis of Youth Justice Approaches." Last Visited:2020/7/24.http://www.children.gov.on.ca/htdocs/English/professionals/oyap/roots/volume4/comparative_analysis.aspx.

پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان ... / شفیعی و رایجیان اصلی ۷۱

در نتیجه، در سال ۱۹۸۴ قانون بزه‌کاران جوان^{۲۰} با هدف ایجاد تعادل بین نیازها، حقوق و پاسخگو کردن کودک و نوجوان و حمایت از جامعه تصویب شد و تا سال ۲۰۰۳ بر نظام رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان حاکم بود. این قانون با وجود ذکر امکان اعمال واکنش‌های جایگزین و فراقضایی، موارد و شرایط اعمال آن و همچنین فلسفه قانون کیفری را به‌طور مشخص اعلام نکرده بود. به همین دلیل، کارگزاران عدالت جنایی نمی‌توانستند جرائم خفیف و شدید را تشخیص دهند که در نتیجه، حضور دادگاه‌ها در فرایند رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان پررنگ و گسترده شد. دادگاه‌ها با تورم پرونده‌ها مواجه شدند و بسیاری از کودکان مرتکب جرائم خرد به مجازات حبس محکوم شدند. این وضع تا جایی پیش رفت که در میان کشورهای غربی، کانادا بالاترین میزان حبس کودکان را به خود اختصاص داد. همچنین، به نقل از وزارت دادگستری کانادا، ذیل قانون بزه‌کاران جوان (۱۹۸۴)، کودکان چهار برابر بیشتر از بزرگسالان مجازات حبس دریافت کردند.^{۲۱} این آمار از آن جهت بسیار قابل توجه است که نشانگر نتایج واقعی یک قانون مبهم و ناقص است؛ در حالی که حتی با اهداف اولیه آن هم در تعارض است.

نوزده سال بعد، قانون ۲۰۰۳ با هدف پیشگیری از جرم و بازپروری نوجوانان و جوانان معارض با قانون تصویب شد و تدابیر بسیاری مربوط به مرحله پیش از محاکمه در حوزه اختیارات پلیس قرار گرفت. این قانون برخلاف قانون پیشین، به نحوی مشخص به بیان رویکرد قضازدایی و ارائه راهکارها می‌پردازد و «به‌طور آشکار اذعان می‌کند که جوانان کمی نیازمند ورود به فرایند رسمی دادرسی هستند؛ زیرا فایده کم و آسیب‌زندگی بسیاری دارد»^{۲۲} در واقع، قانون‌گذار کانادا در پی ایجاد مشارکت بزه‌کار، خانواده او، بزه‌دیده و جامعه بود تا به بالاترین سطح از تأثیرگذاری و اصلاح از طریق ایجاد درک متقابل و حس همدردی دست یابد؛ زیرا به این نتیجه رسیده بود که مقامات قضایی به‌تتهایی نمی‌توانند نظام عدالت جنایی جوانان را تغییر دهند. به همین دلیل، با تأکید بر اهمیت همکاری در راستای حمایت از جامعه، امید خود را بر بازسازی نقش اجتماع، بزه‌دیدگان، جوانان بزه‌کار و خانواده آنان معطوف کرد.^{۲۳}

ذیل این قانون، دو نوع اقدام با هدف قضازدایی پیش‌بینی گردیده است که عبارت‌اند از:

20. Young Offenders Act.

21. Samuels, "Examining the Utility", 3-6.

22. Tustin, Lutes, 2005. Quoted by Samuels, "Examining the Utility", 6.

23. Erin Olsen, "The Youth Criminal Justice Act", Last Visited August 4, 2020. <https://www.teachers.ab.ca/News%20Room/ata%20magazine/Volume%2085/Number%201/Articles/Pages/The%20Youth%20Criminal%20Justice%20Act%20A%20Brief%20Introduction.aspx>

تدابیر فراقضایی^{۲۴} یا قضازدایی پیشادادرسی^{۲۵} که به موجب آن، فرد به وسیله پلیس دستگیر می‌شود، اما به طور رسمی متهم نیست، و دیگری، ضمانت‌اجراهای فراقضایی^{۲۶} یا قضازدایی پسادادرسی^{۲۷} که فرد نخست به وسیله پلیس متهم شده، اما سپس دادستان سلطنتی^{۲۸}، اعمال ضمانت‌اجراهای فراقضایی را درخواست می‌کند. این ضمانت‌اجراها زمانی اعمال می‌شوند که تدابیر فراقضایی پیشادادرسی به دلیل شدت و وخامت جرم یا متعدد بودن جرائم شدید نوجوان، مفید و سودمند نباشند. البته او همچنان به دادگاه نمی‌رود و از سوی قاضی محکوم نمی‌شود، اما اگر سابقه متهم شدن از سوی پلیس را داشته باشد، ممکن است یک‌بار در دادگاه حاضر گردد تا امکان اعمال ضمانت‌اجراهای فراقضایی برای او تأیید شود.^{۲۹} ناگفته نماند که همه این اقدامات تنها در صورتی اعمال می‌شوند که نوجوان بزهکار رفتار خود را قبول کند و رضایت به پذیرش این اقدامات نیز داشته باشد و گرنه پرونده به دادگاه ارجاع داده می‌شود.

این قانون بر اهمیت اقدامات فراقضایی تأکید بسیاری دارد تا آنجا که در بخش نخست آن آمده است که اقدامات جایگزین در رابطه با جوانان بسیار مؤثرتر و مناسب‌ترند و امکان مداخله به موقع و تأثیرگذار با تمرکز بر اصلاح و بازپروری آنان را فراهم می‌کنند. «همچنین، این قانون امکان اعمال این اقدامات را محدود نکرده است. اگر کودک یا نوجوانی سابقه دریافت اقدامات فراقضایی یا حتی محکومیت رسمی را در پرونده خود داشته باشد، همچنان می‌تواند از این امکان استفاده نماید».^{۳۰}

این اقدامات، شامل تدابیری از قبیل اخطار غیررسمی پلیس، هشدار، ارجاع به سازمان‌های اجتماعی، شرکت در نشست‌ها و نوشتن نامه عذرخواهی هستند. «اهداف این برنامه‌ها عبارت‌اند از: افزایش پاسخگویی و پذیرش مسئولیت از سوی مجرم به دلیل فعل مجرمانه، ترویج مشارکت بین بزه‌دیده و بزهکار، حمایت از جامعه برای پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، افزایش مشارکت جامعه در حل و فصل حادثه، حضور جامعه در پرداختن به جرم و نیازهای بزه‌دیده و بزهکار، و حفاظت از منافع جامعه».^{۳۱}

24. Extra-judicial measure.

25. Pre-charge diversion.

26. Extra-judicial sanctions.

27. Post-charge diversion.

28. Crown Prosecutor.

29. Justice for Children and Youth. "ELM and EJS." Last Visited: 2020/7/26. <https://jfcy.org/en/rights/extrajudicial-measures-and-sanctions>.

30. Samuels, "Examining the Utility", 8.

۳۱. مؤذن‌زادگان و دیگران، «قضازدایی پلیسی»، ۵۴.

پاسخ‌های فرایند کیفی به کودکان و نوجوانان ... / شفیع و رایجیان اصلی ۷۳

در مواردی که پلیس یا دادگاه از برنامه‌های فراقضایی استفاده می‌نماید، شخصی به‌عنوان هماهنگ‌کننده دادرسی، عوامل خطر زندگی کودک و نوجوان را پیش از ارجاع او به سازمان‌ها و نهادهای مناسب ارزیابی می‌کند و پس از آن روند و آغاز و پایان برنامه را ثبت و بررسی می‌کند. اگر کودک و نوجوان وظایف مقرر را به انجام نرسانند، به سازمان اولیه، یعنی پلیس یا دادگاه بازگشت داده می‌شوند.^{۳۲}

نکته مهم و شایان توجه درباره این تدابیر آن است که در نتیجه اعمال اقدامات یادشده، سابقه کیفری برای کودک و نوجوان ثبت نمی‌شود و نه تنها در صورت انتساب عمل مجرمانه به او، مجرم نام نمی‌گیرد، بلکه حتی عنوان متهم نیز بر او صدق نمی‌کند.

۲-۱-۳. نقد و ارزیابی

در راستای نقد و ارزیابی رویکرد تطبیقی دو نظام حقوقی ایران و کانادا به پاسخ‌های کیفی در مرحله پیش‌دادرسی به بزهکاری کودکان و نوجوانان، می‌توان ادعان کرد که فلسفه قضاذدایی و ممانعت از برجسب‌زنی در قانون ۲۰۰۳ مشهود است و قانون‌گذار، اقدامات بعدی خود را مطابق با آن سامان داده است. نکته‌ای که می‌تواند از دیدگاه مطالعه تطبیقی مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گیرد آن است که با توجه به تجربیات نظام حقوقی کانادا، ذکر فلسفه قضاذدایی در متن قانون می‌تواند به‌مرور زمان، ذهنیت کارگزاران عدالت جنایی را نیز اصلاح نماید و در صورت وجود هرگونه ابهام، آنان را به سمت همسو شدن با فلسفه قانون سوق دهد. این در حالی است که به نظر می‌رسد در ایران، با توجه به رویکرد دوگانه به جرائم حدی و تعزیری کودکان و نوجوانان و همچنین تعریف کودکی و نوجوانی، فلسفه و مبنای قانون برای خود تدوین‌کنندگان قوانین نیز مبهم بوده است. همچنین، اعمال تدابیر پیش‌دادرسی از این جهت که از زدن برجسب مجرمانه، تغییر رفتار دیگران و تغییر تصور فرد از خودش جلوگیری می‌کند، بسیار شایان توجه است. این‌گونه به نظر می‌رسد که قانون ۲۰۰۳ و به‌تبع آن جامعه کانادا، در مواردی بدون مجرم دانستن کودک، او را تنها نیازمند تربیت و حمایت می‌دانند که متأسفانه جایگاه چنین دیدگاهی در قوانین کیفری و تا حدودی جامعه ایران خالی است، اما امید آن می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، با اجرایی شدن لایحه پلیس ویژه در ایران، تدابیری از این دست در گستره اختیارات پلیس قرار داده شود و گامی به ارتقاء وضعیت بازپروری کودکان و نوجوان نزدیک‌تر شویم؛ هرچند تأخیر هفت‌ساله در تشکیل این نهاد و چه بسا از دست رفتن فرصت‌های بسیاری برای پیشگیری از وقوع جرائم و یا اصلاح بهتر کودکان و نوجوانان، قابل جبران و توجیه نخواهد بود.

32. Youth diversion. "Extra Judicial Measures and Sanctions." Last Visited: 2020/8/4. <https://www.youthdiversion.org/index.cfm/programs/youth-justice-programs/ejm-ejs>.

۳-۲. پاسخ‌های مراحل دادرسی و پسادادرسی به کودکان و نوجوانان

در مراحل دادرسی و پسادادرسی، کودک و نوجوان درگیر فرایندهای کیفی و فضای رسمی دادگاه می‌شود و احتمال الصاق برچسب مجرمانه به او افزایش می‌یابد. به همین دلیل، برای کاهش پیامدهای منفی و برچسب‌زنده این پاسخ‌ها، باید تا حد ممکن از پاسخ‌های سبک‌تر که اهداف بازپرورانه - و نه سزادهی و تنبیهی - را محقق می‌کنند، استفاده کرد. این پاسخ‌ها طیفی گسترده را شامل می‌شوند؛ از جمله نصیحت و اخطار از سوی قاضی تا نگهداری در مراکز مخصوص.

۳-۲-۱. رویکرد تطبیقی نظام‌های کیفی ایران و کانادا به پاسخ‌های مراحل دادرسی و پسادادرسی به کودکان و نوجوانان

در قوانین اخیر ایران، پاسخ‌های متفاوتی در فرایند کیفی در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار تعیین گردیده که در قوانین پس از انقلاب بی‌سابقه بوده است. در نظام حقوقی کانادا نیز طیفی گسترده از پاسخ‌های تأمینی و تربیتی پیش‌بینی شده است که بین آن‌ها و تدابیر نظام حقوقی ایران شباهت و همپوشانی بیشتری در مقایسه با مرحله پیش‌دادرسی به چشم می‌خورد. پاسخ‌های این مرحله اگرچه پس از ورود کودک و نوجوان به دادسرا و دادگاه قابلیت اجرا پیدا می‌کنند، اما به این دلیل که از آسیب بیشتر به او جلوگیری می‌کنند، همچنان از اهمیت بالایی برخوردارند.

۳-۲-۱-۱. پاسخ‌های تأمینی و تربیتی نرم

الف. نظام حقوقی ایران

ماده ۸۸ ق.م.ا.ق ۹۲۱ به دادگاه اختیار داده است که در رابطه با کودکان و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم نه تا پانزده سال است، یکی از تصمیمات مقرر در این ماده را اتخاذ نماید. در بند (الف) و (ب) تحویل طفل به والدین، سرپرست قانونی یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر، راهکار مؤثر و به موقعی در خارج کردن کودکان و نوجوانان از چرخه کیفری است که به تشخیص مقام قضایی، امکان اصلاح آنان بدون نیاز به تحمیل اقدامات شدیدتر وجود دارد. بند (پ) این ماده، نصیحت قاضی دادگاه را به‌عنوان یکی از تصمیمات قاضی پیش‌بینی کرده است که می‌تواند اصلاح‌گر و تربیت‌کننده باشد و درعین حال، از شدت کمی نیز برخوردار است. قانون به‌طور اختصاصی در بند (ت) ماده ۸۸ درباره کودکان و نوجوانان دوازده تا پانزده سال، افزون بر موارد فوق، به پیش‌بینی امکان اخطار، تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم پرداخته است. نکته قابل توجه آن است که این تصمیمات از میزان برچسب‌زنی بسیار کمتری در مقایسه با نگهداری در کانون اصلاح و تربیت برخوردارند؛ هرچند از آنجاکه کودک به‌هرحال وارد فضای دادگاه می‌گردد، لازم است شرایط متناسب با سن و روحیات او تدارک دیده شود تا

تأثيرات منفی به حداقل ممکن برسد. به همین دلیل، در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان و همین‌طور ایران، دادگاه و دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است تا با بهره‌گیری از قضات متخصص و عدم مواجهه کودک و نوجوان با مجرمان بزرگسال و سابقه‌دار، از اثرات سوء این فرایند کاسته شود. در بند (ث) نیز با تشدید تصمیم قابل اخذ، اطفال دوازده تا پانزده‌ساله‌ای که مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج شده‌اند، الزاماً باید به مدت سه ماه تا یک سال در کانون اصلاح و تربیت نگهداری شوند. نکته گفتنی در اینجا آن است که درباره نوجوانان پانزده تا هجده‌ساله‌ای که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند، ق.م.ا. ۹۲۱ در ماده ۸۹ به قاضی اختیار داده است که اقداماتی، مانند تعیین جزای نقدی، اقامت در منزل یا نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته را اتخاذ نماید، اما درباره کودکان و نوجوانان دوازده تا پانزده سال، شاهد پیش‌بینی این امکان نیستیم؛ در صورتی که اعمال هرگونه اقدام تخفیفی در خصوص افراد با سن کمتر، ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

همچنین، اقدامی دیگر در تبصره ۳ م ۸۸ ق.م.ا. پیش‌بینی شده است که بر اساس آن، دادگاه اطفال و نوجوانان هرچند بار که شرایط کودک اقتضا کند، می‌تواند در تصمیم خود در رابطه با بندهای (الف) و (ب) این ماده تجدیدنظر کند. این مورد از جهت تبدیل تصمیمات اتخاذشده به اقداماتی مناسب‌تر با وضعیت کودک و نوجوان دارای اهمیت است، اما شایسته‌تر آن بود که امکان این تجدیدنظر نامحدود، محدود به بندهای (الف) و (ب) نمی‌شد و بند (ت) ماده ۸۸ را نیز در برمی‌گرفت. در آن صورت، قانون‌گذار می‌توانست برای جلوگیری از کاهش یا افزایش نامناسب مدت نگهداری نوجوان در کانون، از طریق تجدیدنظرهای پیاپی، حداقل و حداکثر زمان نگهداری را در متن ماده مشخص نماید.

در راستای افزایش ندادن مدت‌زمان نگهداری در کانون، ماده ۲۳ ق.ح.ا.ن ۹۹، تدابیر قابل اعمال بر کودک و را نوجوانی که مرتکب یکی از جرائم این قانون شود، قابل تشدید نمی‌داند.

همچنین، در ماده ۳۹ ق.ح.ا.ن ۹۹ لازم دانسته شده است که اقدامات و تحقیقات از کودکان و نوجوانان مشمول آن قانون، در کوتاه‌ترین زمان ممکن و کمترین دفعات به انجام گردد که این خود موجب کاهش زمان درگیری کودک در فرایند کیفری خواهد بود و نشانگر رویکرد نوین قانون‌گذار است.

طبق ماده ۴۱۴ ق.آ.د.ک ۹۲ نیز به اقتضای مصلحت کودکی که به بلوغ شرعی نرسیده است، همه یا قسمتی از دادرسی می‌تواند در غیاب او انجام شود. ضمن تقدیر از پیش‌بینی اصل چنین تدبیری، این ماده به این سبب قابل انتقاد است که دختران ۱۴ سال و بیشتر که حتی با رویکرد نوین قانون‌گذار در جرائم تعزیری با پسران در وضعیت یکسانی قرار می‌گیرند، از شمول این ماده خارج می‌شوند و لازم است که قانون‌گذار این مورد را در جهت هماهنگ کردن رویکرد خود اصلاح نماید. همچنین، طبق ماده ۴۱۶ این قانون، در هنگام رسیدگی به دعوی ضرر و زیان، در صورت عدم ضرورت، حضور کودک و نوجوان لازم نخواهد بود که این در کاهش حضور او در فرایند

دادرسی مؤثر است. در ماده ۹۵ ق.م.ا. ۹۲ نیز پیش‌بینی شده است که به‌موجب صدور حکم و اعمال پاسخ‌های کیفری یا تأمینی و تربیتی، هیچ‌گونه سابقه کیفری برای کودکان و نوجوانان ثبت نخواهد شد که این امتیاز به دلیل جلوگیری از ایجاد برچسب مجرمانه بسیار قابل توجه است.

ب. نظام حقوقی کانادا

در مقام مقایسه و تطبیق پاسخ‌های تأمینی و تربیتی نرم در نظام حقوقی کانادا، اخطار قاضی^{۳۳} یکی از پاسخ‌هایی است که به تشخیص قاضی اعمال می‌گردد. از طریق این تدبیر، بدون تعیین پاسخی سنگین‌تر، تنها به کودک و نوجوان مرتکب بزه در خصوص ارتکاب مجدد جرم اخطار داده می‌شود. آزادی کامل^{۳۴} نیز از دیگر تدابیر نرم قابل اعمال در این نظام حقوقی است. در این مورد، قاضی متهم را گناهکار تشخیص می‌دهد، اما او را نیازمند تحمل مجازات شدیدتری نمی‌داند. همچنین در راستای جلوگیری از برچسب‌زنی، برخی محکومیت‌های کودکان و نوجوانان، فاقد آثار کیفری بوده یا آثار آن پس از مدت‌زمانی مشخص از بین می‌رود؛ برای مثال اعمال برنامه‌های فراقضایی پیش‌دادرسی، سابقه کیفری ایجاد نکرده، سابقه ناشی از اعمال برنامه‌های فراقضایی پس‌دادرسی نیز پس از مدت دو سال از دسترس خارج خواهد شد. سابقه محکومیت کیفری کودک و نوجوانان نیز پس از گذشت مدت‌زمانی که در قانون ۲۰۰۳ برای هر جرم مقرر شده است پاک می‌شود و امکان بازبینی آن برای هیچ شخصی وجود ندارد. این امتیاز در مواردی، مانند ثبت‌نام در مدرسه و استخدام از تبعات برچسب‌زننده محکومیت می‌کاهد و کودک و نوجوان را در موقعیتی برابر با دیگران قرار می‌دهد. البته خاطر نشان می‌شود که امکان نگهداری سوابق جرائم معدودی مانند قتل، اقدام به قتل و تجاوز جنسی شدید برای همیشه وجود دارد. همچنین، در صورت دریافت مجازات بزرگ‌سالان نیز سوابق محکومیت فرد در آینده قابل دسترس است.^{۳۵}

۲-۱-۲. تدابیر تأمینی و تربیتی سخت و متوسط

الف. نظام حقوقی ایران

در ماده ۸۹ ق.م.ا. ۹۲ برای نوجوانان پانزده تا هجده سال، اقداماتی با محوریت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده است که آن‌ها را می‌توان در مقایسه با ماده ۸۸، سخت‌پنداشت، اما دیگر تدابیر مندرج در این ماده، مانند تعیین جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان را می‌توان از نوع اقدامات جایگزین نگهداری در کانون دانست که از وقوع آثار سوء آن جلوگیری می‌کند و از این‌رو، می‌توان

33. Reprimand.

34. Absolute Discharge.

35. Justice for Children and Youth. "Youth Records." Last Visited: 2020/7/23. <https://jfcy.org/en/rights/youth-records-and-other-data>.

آن‌ها را جزء تدابیر متوسط به شمار آورد. همچنین، تبصره دو این ماده به قاضی اختیار داده است که به جای تصمیم نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، به اقامت در منزل یا نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته برای نوجوانان مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج حکم نماید که این امکان می‌تواند در عین تحت کنترل قرار دادن نوجوان نیازمند به تربیت، باور به بزهکار بودن را در او تضعیف نماید.

ماده ۹۰ ق.م.ا. ۹۲ پس از گذشت یک‌پنجم از زمان نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، برای یک‌مرتبه به دادگاه اختیار تجدیدنظر در رأی خود، مبنی بر کاهش مدت نگهداری نوجوان تا یک‌سوم یا تبدیل آن به تسلیم به ولی یا سرپرست قانونی را داده است، اما بهتر آن بود که در صورت مشاهده تغییرات مثبت در نوجوان که مورد تأیید مسئولان کانون است، تجدیدنظر قاضی درباره رأی پیشین خود محدود به یک‌بار و گذراندن مدت‌زمان مشخص نمی‌شد؛ چراکه برای اصلاح و تربیت، کیفیت فرایند اصلاحی مهم است و این مسئله با گذر مدت‌زمان از پیش تعیین‌شده لزوماً همبستگی ندارد. ممکن است نوجوانی که به رفتار اشتباه خود آگاه شده و سعی بر ایجاد تغییرات مثبت داشته است، با نگهداری بیش از میزان لازم در کانون، به سوی گروهی از نوجوانان معارض با قانون کشیده شود و یا به هر نحو دیگری تأثیر منفی بپذیرد. همچنین، هر یک روز نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، می‌تواند احتمال مطلع شدن افراد بیشتری را از وضعیت او افزایش داده، در پی آن امکان الصاق برچسب مجرمانه و درونی‌سازی آن از سوی نوجوان را افزایش دهد.

دو نهاد تعویق صدور رأی و تعلیق اجرای مجازات نیز از موارد دیگری است که در قوانین ایران پیش‌بینی شده و کارکرد آن، جلوگیری از وقوع برچسب‌زنی بر کودک و نوجوان معارض با قانون و خارج کردن او از چرخه قضایی است. همچنین، طبق ماده ۴۱ و ۴۸ ق.م.ا. ۹۲ دو نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات می‌توانند به نحو مراقبتی نیز اعمال شوند و مرتکب ضمن برخورداری از آزادی تا زمان مقرر، مطابق با نظر قاضی ملزم می‌گردد یک یا چند دستور از موارد مذکور در قانون را که با اهداف آموزشی، تربیتی، درمانی، پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، جبران خسارات وارده و... پیش‌بینی شده است، انجام دهد.

هرچند زمان اعمال این دو نهاد با یکدیگر متفاوت است و تعویق صدور حکم، کودک و نوجوان را زودتر از چرخه کیفری خارج می‌نماید، اما به‌طور حتم، استفاده از نهاد تعلیق اجرای مجازات نیز می‌تواند در مقایسه با اجرای کامل مجازات بسیار سودمند واقع شده، فرد را زودتر از هم‌نشینی با دیگر نوجوانان معارض با قانون که ممکن است برخی از آنان سابقه مجرمانه جدی‌تری نیز داشته باشند، برهاند. این اقدام نه تنها فرایند برچسب خوردن و تغییر باور درونی خود یا خانواده و دوستانش را قطع می‌نماید، بلکه می‌کوشد از طریق اجرای دستورات مراقبتی و تربیتی، مفید و کارگشا باشد و مسیر بازگشت او را به جامعه و زندگی عادی آسان‌تر کند.

بسیار قابل توجه است که قانون‌گذار ایران با در نظر گرفتن رویکرد افتراقی، دایره شمول این تدابیر را درباره کودکان و نوجوانان، در مقایسه با مجرمان بزرگسال بسیار گسترده‌تر کرده است. طبق ماده ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا. ۹۲۱ آنها جرائم تعزیری درجه شش تا هشت بزرگسالان می‌تواند مشمول تعویق صدور حکم قرار گیرد و تعلیق مجازات آن‌ها نیز تنها در مورد جرائم تعزیری درجه سه تا هشت قابل اعمال است. در حالی که طبق م ۹۴ ق.م.ا. ۹۲۱، این دو نهاد در خصوص تمامی جرائم نوجوانان قابل اعمال است. نکته قابل بحث این است که قانون‌گذار در این ماده از واژه کودکان استفاده نکرده است؛ اگرچه نوجوان، تعریفی آشکار در این قانون نداشته است، اما طبق رویکرد نوین قانون‌گذار در موارد مرتبط و جمع‌بندی تبصره ۱ ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک ۹۲ و ماده ۱ ق.ح.ا.ن ۹۹، به نظر می‌رسد حداقل در جرائم تعزیری، نوجوان به دختران ۱۴ تا هجده سال و پسران پانزده تا هجده سال اطلاق گردد. در این صورت، پسران دوازده تا پانزده سال که به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، نمی‌توانند از امتیاز تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات بهره‌مند گردند. این نتیجه، با رویه یکسانی که در این قانون درباره دختران و پسران کمتر از هجده سال در پیش گرفته شده است، ماده ۴۵ ق.ح.خ ۹۱ مبنی بر رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و همچنین ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک راجع به در نظر گرفتن منافع عالیه کودک، که در حکم قانون لازم‌الاجراست، متعارض است. بنابراین، به نظر می‌رسد باید این ماده را طبق اصول و به نفع کودک و نوجوان تفسیر کرده، همه افراد یادشده در مواد ۸۸ و ۸۹ را مخاطب آن بدانیم. قانون‌گذار نیز باید در اصلاحات بعدی قانون این نکته را مدنظر قرار دهد.

آزادی مشروط نیز که در ماده ۵۸ ق.م.ا. ۹۲۱ پیش‌بینی شده است، فرصتی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می‌شود تا اگر در مدت معین در خارج از حبس، حسن رفتار نشان دهند، بدون گذراندن مابقی مجازات از آزادی کامل برخوردار گردند. در رابطه با مواد مطرح در قانون به نظر می‌رسد بهتر آن بود که قانون‌گذار، تشخیص وجود شرایط اعمال آزادی مشروط برای نوجوان را بر عهده قاضی می‌گذاشت و برای مثال، برای حصول امکان استفاده از آن، شرط گذراندن یک‌سوم از حبس‌های کمتر از ده سال و عدم استفاده قبلی از آزادی مشروط را الزامی نمی‌دانست. این موارد با مفاد قاعده ۱-۲۸ مقررات پکن که به گسترده بودن و استفاده در اسرع وقت از این نهاد تأکید کرده است، مطابقت ندارد.

تدابیر حمایتی دیگری نیز در مرحله پس‌ادرس‌ی پیش‌بینی شده است تا از طریق آن، کودک و نوجوان پس از خروج از کانون، فرصت زیست برابر با دیگران را بیابد. در بند (پ) ماده ۶ ق.ح.ا.ن ۹۹، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف گردیده تا کودکان نیازمند حمایتی را که

زمان نگهداری‌شان در کانون به اتمام رسیده است به سازمان بهزیستی معرفی کند تا از حمایت‌های این سازمان در حوزه‌های گوناگون، همچون یافتن شغل یا ادامه تحصیلات برخوردار شوند. همچنین، آیین‌نامه مراکز مراقبت پس از خروج مصوب ۱۳۷۸ و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ (با اصلاحات ۱۳۸۹)، اقداماتی را در حوزه تحصیلات، اشتغال، ارائه تسهیلات و بهداشت و درمان پیش‌بینی کرده‌اند که پس از خروج از کانون، کمک شایانی به بازگرداندن نوجوان به زندگی عادی می‌کند.

در پایان این قسمت، باید به ماده ۱۹ ق.ح.ا.ن ۹۹ نیز اشاره کرد که طبق آن، برای فردی که جزئیات جرم ارتكابی از سوی طفل یا نوجوان را عنوان نماید، مجازات حبس در نظر گرفته شده است. این تدبیر که البته از اصول دادرسی کیفی سرچشمه می‌گیرد، از اثر برجسب‌زنده این فرایند می‌کاهد.

ب. نظام حقوقی کانادا

در مقام مقایسه و تطبیق تدابیر تأمینی و تربیتی متوسط و سخت در نظام حقوقی کانادا می‌توان گفت که قاضی در این کشور می‌تواند از تصمیماتی که با هدف جلوگیری از آثار سوء محکومیت، پس از محاکمه و مجرم شناختن نوجوان، از سوی قاضی در کانادا برای او انتخاب می‌شود، استفاده کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ^{۳۶} آزادی مشروط به انجام شروط پیش از آزادی، ^{۳۷} جزای نقدی و پرداخت خسارت، خدمات شخصی ^{۳۸} یا خدمات اجتماعی، ^{۳۹} ممنوعیت از داشتن چیزی (مانند اسلحه)، آزادی مشروط، برنامه پشتیبانی و نظارت فشرده، ^{۴۰} برنامه‌های غیر نگهداری، ^{۴۱} دستور حبس و نظارت، ^{۴۲} قرار نظارت و حبس معوق، ^{۴۳} قرار نگهداری در مراجع درمانی و نظارت، ^{۴۴} مجازات بزرگسالان. ^{۴۵}

36. Justice for Children and Youth. "Sentences" Last Visited: 2020/7/23, <https://jfcy.org/en/rights/sentences>.

37. Conditional Discharge.

38. Personal Service.

39. Community Service.

40. Intensive Support and Supervision Program.

41. Non-Residential Program:

برنامه‌هایی که نیازمند نگهداری فرد در نهاد یا مؤسسه‌های اصلاحی، تربیتی، درمانی و مانند آن‌ها نیستند.

42. Custody and Supervision Order:

در این مورد، نوجوان بزهکار مدتی از محکومیت را در حبس و باقی آن را در جامعه و تحت نظارت می‌گذراند.

43. Deferred Custody and Supervision Order:

در این قرار جوان بزهکار نخست باید در بیرون از زندان به موارد مقرر عمل نماید و در صورت عدم اعمال آن‌ها، برای گذراندن مابقی مجازات خود راهی زندان گردد.

44. Intensive Rehabilitative custody and Supervision Order:

قاضی در جرائمی خاص، در صورتی که نوجوان دچار بیماری روانی باشد، می‌تواند او را برای گذراندن دوره محکومیتش به بیمارستان ارجاع دهد.

45. Adult Sentence:

همچنین، همه کودکان و نوجوانانی که به گذراندن مدت محکومیت خود در مراکز نگهداری محکوم می‌شوند، پس از آزادی باید تحت نظارت قرار بگیرند. در این راستا، دوره‌هایی برای حمایت از آنان پیش‌بینی می‌شود که بر تحصیل و آموزش حرفه‌های گوناگون متمرکز است. در طول برخی از این دوره‌ها، محل سکونت افراد نیز تا مدتی تأمین می‌گردد.^{۴۶}

۲-۲-۳. نقد و ارزیابی

بدین ترتیب، از منظر تدابیر تأمینی و تربیتی نرم، سخت و متوسط، می‌توان گفت که هر دو نظام کیفری ایران و کانادا، با مقرر کردن تدابیری افتراقی، سعی در اعمال واکنش‌هایی متناسب با سن و شرایط ویژه کودکان و نوجوانان، با هدف حذف یا کاهش میزان حضور آنها در مراجع کیفری داشته‌اند که این مسئله در قوانین مؤخر این دو کشور - از جمله ق.م. ۹۲۱، ق.آ.د.ک. ۹۲، ق.ح.ا.ن. ۹۹ و قانون ۲۰۰۳ - مشهود است. از جنبه بررسی تطبیقی، بسیاری از اقدامات نام‌برده، از جمله اخطار از سوی قاضی، تعلیق اجرای مجازات، تدابیر مراقبتی، نگهداری در مراکز مخصوص نوجوانان، پرداخت جزای نقدی و مراقبت پس از خروج، در دو نظام کلیت مشابهی دارند و تفاوت‌های قانونی و اجرایی آن به تناسب جامعه و نظام حقوقی حاکم موجه است. لازم به گفتن است که بسیاری از اقدامات یادشده را می‌توان در راستای جلوگیری از الصاق برچسب مجرمانه به کودکان و نوجوانان معارض با قانون، کارآمد و پیش‌گیرنده دانست.

نتیجه‌گیری

از آنجا که شیوه برخورد با کودکان و نوجوانان تأثیری بسزا در شکل‌گیری و تثبیت شخصیت آنان دارد، ورود زودهنگام به فرایندهای کیفری می‌تواند به جای اثر مثبت و تربیتی، اثر سوء و مخرب بر جای بگذارد و آنان را به سوی بزهکار شدن سوق دهد. با نگاه از دریچه نظریات جرم‌شناختی، می‌توان گفت که محصول جدیدترین قوانین کیفری ایران و کانادا، پیش‌بینی تدابیری متناسب با سن و روحیات خاص کودکان و نوجوانان و با هدف تربیت و بازپروری آنان بوده است. این تدابیر

در موارد مشخص و محدودی، قاضی می‌تواند مجازات بزرگسالان را بر کودک و نوجوان بزهکار تحمیل نماید. این موارد از این قبیل است: الف. داشتن چهارده سال و بالاتر و ارتکاب جرائم قتل، شروع به قتل و تجاوز خشونت‌بار. ب. داشتن چهارده سال یا بالاتر و ارتکاب یکی از جرائم جدی برای سومین بار. پ. داشتن چهارده سال یا بالاتر و ارتکاب یکی از جرائم جدی که دادستان از دادگاه درخواست مجازات بزرگسالان نماید. در صورت تعیین این مجازات برای بزهکار، او دوره محکومیت خود را تا رسیدن به هجده‌سالگی در مراکز مخصوص نوجوانان گذرانده، سپس به زندان بزرگسالان منتقل خواهد شد.

46. Hoge, "Introduction", 62.

پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان ... / شفیعی و رایجیان اصلی ۸۱

در مواردی در هر دو نظام کیفری مشابه است و در مواردی نیز باهم تفاوت دارند. نقاط افتراق این دو نظام را می‌توان به‌طور کلی این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. نخستین تفاوت، روشن بودن رویکرد نظام حقوقی کانادا در رابطه با سیاست‌گذاری در حوزه کودکان و نوجوانان مرتکب بزه و شیوه پاسخگویی به آنان است. موضوعی که در ایران به نظر پراکنده و حتی گاه متعارض به نظر می‌رسد.

۲. تفاوت مهم دیگر آن است که در حالی که در بیشتر نظام‌های کیفری، از جمله کانادا، وظیفه برخورد با کودکان و نوجوانان بزهکار در مرحله پیش‌ادارسی، بر عهده پلیس است، این نهاد مهم و ارزنده در ایران هنوز اجرایی نشده است. شوربختانه، قانون‌گذار ایران به‌رغم پیش‌بینی پلیس ویژه در ق.آ.د.ک ۹۲، پس از گذشت چندین سال هنوز زیرساخت‌های لازم برای اجرای این ماده را فراهم نکرده است؛ اگرچه در نهایت، لایحه تشکیل پلیس ویژه تصویب خواهد شد، اما مسئولین باید پاسخگویی دلیل چنین تأخیر طولانی در اجرای این ماده مهم باشند؛ چراکه نخستین فایده تشکیل این نهاد، استفاده از نیروی پلیس آگاه، از شیوه برخورد صحیح با کودکان و نوجوانان و به حداقل رساندن رفتارهای آسیب‌زا از سوی پلیسی است که در ارتباط با کودکان تخصصی ندارد و با آنان، مانند مجرمان بزرگسال و حتی خطرناک و سابقه‌دار برخورد می‌کند. افزون بر آن، پلیس ویژه می‌توانست در طی این سال‌ها در رابطه با انجام تدابیری که نمونه آن در مقاله در نظام کیفری کانادا ذکر شد، در پیشگیری از بزهکاری و جلوگیری از ورود دادگاه در مواقع غیر ضروری، نقش مهمی ایفا نماید.

۳. در مرحله دادرسی و پس‌ادارسی، اگرچه شباهت‌های بسیاری در شیوه پاسخ‌دهی به جرائم کودکان و نوجوانان یافت شد، با این حال محدودیت‌هایی در قوانین ایران به چشم می‌خورد که می‌توان آن را ناشی از مشخص نبودن رویکرد و اصول قانون‌گذار تلقی کرد که اصلاح این موارد در ادامه در چهارچوب پیشنهاد ارائه شده است.

در گام بعد، با توجه به مطالعات انجام‌شده، الگوها و پیشنهادهایی برای ارتقاء وضعیت پاسخ‌های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان ارائه می‌گردد:

۱. پیشنهاد می‌شود در مواردی که اجرای ماده‌ای به تهیه لایحه یا تصویب قانون دیگری وابسته می‌گردد، به‌منظور جلوگیری از هدر رفتن فرصت، در متن قانون مدت‌زمان معینی برای آن تعیین شود.

۲. پیشنهاد می‌شود با الگوگیری از قانون‌گذار کانادا که رویکرد خود را به‌طور مشخص در متن قانون ۲۰۰۳ ذکر کرده است، قانون‌گذار ایران نیز در مقدمه قوانین و یا در آغاز هر بخش از آن،

رویکرد خود را معین سازد تا تمامی قوانین در یک راستا تدوین و تفسیر گردد. همان‌گونه که گفته شد، یک قانون مبهم و ناقص می‌تواند نتایجی حتی کاملاً متضاد با قصد اولیه قانون‌گذار در پی داشته باشد که چنین برآیندی به‌طور قطع، هدر دادن زمان و تحمیل هزینه اقتصادی و اجتماعی نابجا بر جامعه خواهد بود.

۳. قانون‌گذار ایران می‌تواند در تصویب لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان با الگوگیری و بومی‌سازی تدابیر پیشادادرسی کشورهای دیگر، از جمله کانادا، گامی به جلو بردارد؛ برای مثال جرائمی با مجازات‌های تعزیری درجه هفت و هشت، یا سرقت‌های ساده و یا مواردی که از شواهد و قرائن مشخص است که کودک مورد سوءاستفاده برای ارتکاب جرم قرار گرفته است، بدون فرستادن به دادگاه و به‌وسیله پلیس بررسی شود. سپس کودک یا نوجوان، تحت نظارت و مراقبت سازمان‌های تربیتی مانند بهزیستی، سازمان‌های مردمی و یا سازمانی که تحت نظارت پلیس ویژه فعالیت می‌کند قرار گیرد و در صورت تکرار جرم یا صلاح‌دید پلیس، برای بررسی بیشتر به دادگاه فرستاده شود.

۴. پیشنهاد می‌شود با الگوگیری از کانادا، تدابیر پیشادادرسی از طریق پلیس ویژه به‌طور نامحدود و در دفعات متعدد از قابلیت اعمال برخوردار باشد؛ چراکه در صورت پیش‌بینی تدابیری گسترده و کافی در این مرحله، پیشگیری از ورود کودک به فرایند داسرا و دادگاه، همچنان در اولویت است.

۵. پیشنهاد می‌شود در راستای اعمال رویکرد افتراقی در آیین دادرسی، امکان استفاده از آزادی مشروط به‌طور مکرر و در دفعات متعدد برای کودکان و نوجوانان مرتکب بزه پیش‌بینی گردد. همچنین، مقید کردن دفعات یا زمان تغییر تصمیم قاضی در صورت ارسال گزارش‌ها مبنی بر اصلاح کودک و نوجوان از سوی مددکاران یا مسئولان کانون اصلاح و تربیت که در تبصره ۳ ماده ۸۸ و ماده ۹۰ ق.م.ا. ۹۲۱ عنوان شده است، بر طبق مباحث مطروحه در این پژوهش موجه نبوده و تغییر آن با مصالح عالی‌ه کودک و رویکرد کلی قانون‌گذار که از دیگر مواد قابل برداشت است، همسوتر خواهد بود.

درنهایت، باید گفت که جلوگیری از نهادینه شدن بزهکاری در کودکان و نوجوانان و سعی بر اصلاح آنان در هر مرحله‌ای، رسالتی راهبردی بر دوش جامعه است؛ چراکه سعادت هر جامعه‌ای در گرو تربیت و پرورش صحیح کودکان و نوجوانان، به‌عنوان نسل آینده آن جامعه است.

منابع

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

رایجیان اصلی، مهرداد. درآمدی بر جرم‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
غلامی، حسین. «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲ (۱۳۹۱):
۴۱-۶۵.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی، حسین یاراحمدی، محمد بارانی، و غلامحسین کوشکی. «قضازدایی پلیسی
در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزیلند، کانادا و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های
دانش انتظامی، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۷۲) (پاییز ۱۳۹۵): ۴۵-۶۹.
نوبهار، رحیم. «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری ۸، شماره ۱ (۱۳۹۰):
۹۱-۱۱۴.

همت، مسعود، حمیدرضا حیدریپور، و ژیلا بزی تنها. «مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های
حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)»، تحقیقات
حقوق خصوصی و کیفری ۱۴، شماره ۳ (۱۳۹۷): ۷۸-۱۱۴.

الف-۲. لاتین

Hoge, Robert D. "Introduction to the Canadian Juvenile Justice System".
Resource Material, No.78. 139 International Training Course Visiting
Experts' Paper.

Kong, R. Youth custody and community services in Canada,
2007/2008. *Juristat*, 29(2). (Cat. No. 85-002-X). Ottawa, ON: Statistics
Canada (2009).

Samuels, K. "Examining the Utility of Pre-Charge Youth Diversion Programs:
A Canadian Context" Master of Art, University of Ontario, Institute of
Technology, 2015.

Tannenbaum, F. *Crime and Community*. Boston: Ginn and Company, 1938.

ب. وب سایت‌ها

Justice for Children and Youth. "ELM and EJS." Last Visited: 2020/7/26.
<https://jfcy.org/en/rights/extrajudicial-measures-and-sanctions>.

Justice for Children and Youth. "Sentences" Last Visited: 2020/7/23.
<https://jfcy.org/en/rights/sentences>.

Justice for Children and Youth. “Youth Records.” Last Visited: 2020/7/23.
<https://jfcy.org/en/rights/youth-records-and-otherdata>.

Ministry of Children, Community and Social Services. “A Comparative Analysis of Youth Justice Approaches.” Last Visited: 2020/7/24.
http://www.children.gov.on.ca/htdocs/English/professionals/oyap/roots/volume4/comparative_analysis.aspx

Olsen, Erin. “The Youth Criminal Justice Act.” Last Visited: 2020/8/4.
<https://www.teachers.ab.ca/News%20Room/ata%20magazine/Volume%2085/Number%201/Articles/Pages/The%20Youth%20Criminal%20Justice%20Act%20A%20Brief%20Introduction.aspx>

Youth diversion. “Extra Judicial Measures and Sanctions.” Last Visited: 2020/8/4.
<https://www.youthdiversion.org/index.cfm/programs/youth-justice-programs/ejm-ejs>.